

## هنرهای زیبا

پیامبر مقدس اسلام در روز دین بر او و یاران اولیه آنحضرت و روان ایشان خوشنود، کشیدن تصویر آفریدگان زنده را مطلقاً روا نمی دانستند. در عهد خلفای اموی که مرکز شان در دمشق بود این دستور در قسمت مساجد و اماکن مقدسه منحصر گردید و رهائشگاه آنان بانصاوبر و اشکال تزئین شد. در کاخ ولید اول که در سال ۷۱۲ میلادی بنانهاد نمونه خوبی از آنچه گفتیم دیده میشود. در دیوار داخل این کاخ که در دشت معروف به قصر الحمراء بنا یافته، تصویر پادشاه را نقش کرده بودند؛ شاید خلیفه در حالیکه یاران و همراهان وی در اطراف او قرار داشتند، در همینجا بر تخت می نشست. همچنین درین قصر، مناظر شکار، ماهیگیری آبیازی و تصاویر سلاطین روم و فارس نقش شده بود. همین روش را فر مانفرمایان عرب در اسپانیه، نیز دنبال کردند و کاخهای خویش را با نقش و نگار و تصاویر زنان و مردان آراستند. عباسیان نیز در دیوارهای قصور خویش قالیهای ابریشمینی می آویختند که در آنها تصویر شاهان، باغها، مناظر شکار و غیر اینها دیده می شد بدین ترتیب، تشدد مسلمانان در مقابل آرایشهای تصویری و پیکرنگاری از همان اوان نخستین تخفیف یافت ولی الهیون و طبقات دینی به مخالفت و اعتراض خویش در برابر این رویه ادامه دادند. و فرمانروایان نتوانستند چنین تزیینی را در مساجد یا عمارات عمومی دیگر بکار برند. هنرمندان اسلام، هراندیشه تدبیر نوشدند سر انجام راه حل قضیه را در اشکال هندسی یافتند و در پی توسعه و تکمیل آن برآمدند: نسخه های خطی قرآن کریم را با طرحهای شاخ و برگ، میناکاری، استعمال رنگهای گوناگون و بکار بردن لعاب شیشه تزیین نمودند و بدین طریق تصمیم هنری خویش را تطبیق کردند و تعمیم بخشیدند. روش نوین نقاشی بدست آنان بزودی مدارج ترقی و تکامل خود را پیمود و این رسم تازه نه تنها در جهان اسلام بلکه در کشورهای دیگر، همچون ممالک اروپائی سبک هنری جدیدی شد و یکی از پرارزش ترین کارهای اسلامیان در قلمرو معماری تزیینی به شمار رفت.

## خوش نویسی



نخستین شکل خط اسلامی یعنی کوفی از انبار باهیر از شهرها و ایالات بین النهرین اقتباس شد. در میان سران طایفه قریش که برای او این بار این خط را فرا گرفتند از چند تن باید نام برد: نخست حرب بن امیه جدسه تن از خلفای اولیه اموی؛ دو دیگر ابوطالب، کاکای پیغمبر اکرم و پدر خلیفه چهارم؛ سدیگر عفان پدر خلیفه سوم. شخص رسول خدا با آنکه خودش «اهلی» بود همواره پیره آن خوش را به فرار گرفتن دانش مخصوصاً خط نویسی تشویق می فرمود. کلمه «قلم» در نخستین آیاتی که نازل شد و همچنان در قرآن کریم ذکر گردیده است باین عبارات: آیات ۳ تا ۵ سوره ۹۶. اقرأ وربك الاکرم؛ الیذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم یعلم. آیت اول سوره ۶۸: ن؛ والقلم و ما یسطرون. آیه ۲۷ سوره ۳۱: واولما فی الارض من شجرة اقلم والبحر یحمده من بعده. سوره ابحر ما نعدت کلمت الله.

مسلمانان از آغاز ظهور اسلام به کتابت و خوش نویسی آشنا و علاقمند شدند

## خط نخستین

و آنرا فرا گرفتند چنانکه چهار ریا رکیا ربه شمول حسنین و شمارهای از اصحاب پیغمبر اکرم همچون معاویه و یزید پسران ابوسفیان، عبد الله بن عمر، عبد الله بن عباس، زید بن ثابت و مروان بن حکم به خوش خطی شهرت داشتند. خطی که توسط قریش انتخاب شد و به «کوفی» مشهور است، اصلاً از بین النهرین گرفته شده؛ در تمام دوره های اموی و عباسی در سراسر کشورهای اسلامی رواج یافت. در خط کوفی پس از مدتی برای تمییز حروف صدائی و حرفهائی که هشا به همدیگرند بعضی اصلاحات بوسیله افزودن علامات مشخصه ای چند صورت گرفت. در قرن هفتم میلادی دو نوع مختلف خط نویسی به وجود آمد: خطی که در نیشن سنگهای یادگار و سکه های رایج مستعمل بود شکل گوشه دار داشت و خطی که در نوشتن روی کاغذ مورد استعمال قرار می گرفت نسخ و شکسته بود؛ این اختلاف بعد ها کاملاً واضح شد. خط گوشه دار یا کوفی اصلی تا اواخر عهد عباسیان بکار می رفت اما درین تاریخ ریب-خروب-زوال رفت تا آنجا که در عمل فقط

خوشنویسان با آن آشنا بودند و ازین وقت ببعد خط نسخ عمومیت پیدا کرد .  
آبدات سنگی آسیائی صغیر محتوی خطوط نسخ بسیار است که تاریخ آنها به قرن  
هفتم هجری برمی گردد . آرایش آخرنامه ها و فصول نسخ مخطوط ، باروش  
عربی ، از قرن سوم و چهارم هجری شایع و متداول شد .

(۱) قطبة بن عبد الله (۲) خالد بن ابولہیاج کاتب

خوشنویسان مشهور عهد اموی

خایفه و لید (۳) سالم کاتب خایفه هشام و (۴)

حسن بصری و جمع کثیر دیگر . ولی مشهورترین خوشنویسان این دوره ،  
عبد الحمید شامی ، هنسی وفادار مروان آخر بن خایفه اموی ، بود . درین وقت  
شام ، فلسطین ، مصر و تمام افریقای شمالی به شمول اسپانیه در غرب ، بین النهرین ،  
خراسان ، ایران و آسیای مرکزی در شرق ، جزء امپراطوری عظیم اسلام بود .  
مردم کشورهای که عرب نبودند اما اسلام پذیرفتند زبان تازی را واسطه  
بیان اندیشه های علمی و ادبی خویش قرار دادند و مشخصات خط کوفی را  
مال خود قبول کردند .

بنا های عالی همچون مساجد ، کاخها ، سراپها و غیر اینها با اشکال انسان  
و حیوان یا انواع مختلف آرایش ، تزیین می شد . اما چون مساجد و محرابها  
و زیارتگاه را نمی توانستند با تصاویر بیارایند بنا برین آباتی از قرآن کریم انتخاب  
کردند و با خط زیبا در سقف و دیوار اماکن مقدسه نگاشتند . این کار بزودی چنان  
رواج پیدا کرد که در جهان آنروز اسلام هیچ مسجدی نبود که بدون نوشته های  
زیبای مرکب از یک یا دو آیت قرآن مجید یا ذکری از اسمای خدایانام بنا بر عمارت  
نباشد . بدین گونه خوشنویسی ، هنر مهمی شد که باید با دقت تمام مطالعه شود .  
خوشنویسان نسبت به نقاشان شهرت و عزت بیشتری یافتند و غالب  
ایشان مطالعه نقاشی را بسازی بنا نگهاری آمیختند . از خط کوفی  
بارخی اصلاح و تغییر سبکهای دیگر خط ابوسی بوجود آمد و هر یک نام جداگانه بر خود  
گرفت . برای درازی و عرض و انحنا ی حرف قواعدی وضع شد .  
خوشنویسان فارس که در دوره های پیش از اسلام و در عهد ماننی کتب مقدس  
خویش را تزیین میکردند درین راه ستوده پیش قدم شدند ؛ هنر خوشنویسی را  
ترقی دادند و موجود انواع دیگر خط نویسی به شما رفتند و عالی از عبید ، خط و سوم  
به ربحانی را اختراع کرد .

(۱) اسحاق بن حماد متوفای ۱۵۴ هجری

خوشنو یسان

و برادرش ضحاک (۲) ابراهیم سیستانی

مشهور عهد عباسی

و برادرش اسحاق (۳) ابراهیم احوال که او نیز

از سیستان بود (۴) فضل وزیر خلیفه

مامون (۵) اسحاق بن ابراهیم (۶) ابوعلی محمد مشهور به ابن مقله (۸۸۵ - ۹۴۰)

و برادرش حسن (۸۸۱ - ۹۵۰) که مشهورترین خوشنویسان عهد عباسی شناخته

می شوند. ابن مقله هفت یا هشت قسم خط را ابداع یا اصلاح کرد، مانند ریحان، ثلث

نسخ، توفیق، محقق و غیر اینها. وی به علاوه آنکه در عصر خود خوشنویس بسیار

چیره دست و توانا بود، در ادبیات عرب هم معلومات بسیار داشت. شهرت وی

تاما و راء النهر پیچید و خلیفه او را به دربار خویش خوانده به تدریج منصب وزارت

یافت اما عاقبت او مانند اخلافش، بر مکیها و بصرانیان سهل، که در آغاز عظمت و نیروی

وافر کسب کردند بسیار هم انگیز بود و سرانجام همه چیز را به شمول زندگی خویش، از کف

دادند خلیفه فرمان داد دست او را ببرند و باین دستور اکتفا و رزیده امر داد. رزندن او را

بسکشتند. (۷) ابن یسویب معاصر القادر است. بجمین - ابیغه عباسی (۸) و عبدالله

بنی اسماعیل معروف به بخاری [۹] ابو الفضل خراسانی متوفای ۵۱۸ - خط قناع را

اصلاح کرد [۱۰] ابو الفرج بن جوزی [۱۱] - نص اسماعیل جوهری ایشا پوری

[۱۲] احمد بن حسن سیستانی وزیر سلطان محمود غزنوی [۱۳] عبدالحسن راهندی

معاصر متوکل دهمین خلیفه عباسی [۱۴] عضدالدوله بویه که در زمان ایران و غرب

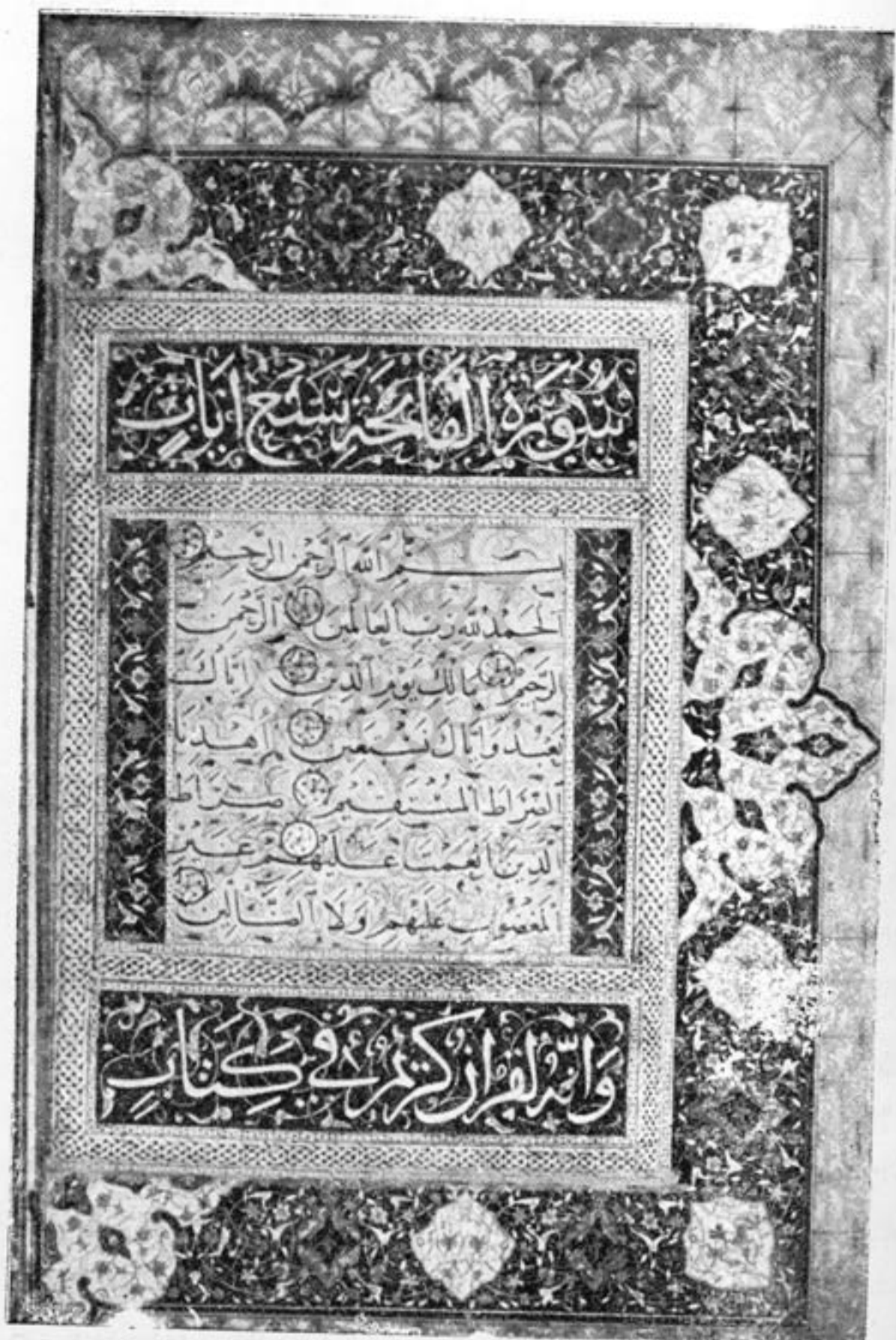
آن حکومت داشت [۳۷۲-۲۳۸] [۱۵] باو ت آخرین خوشنویس سزرگت دوره

عباسی غلام معتصم آخرین خلیفه این خاندان بود. یا قوت چنان به پیشه خود دبستگی

داشت که وقتی مغولها بغداد را در محاصره گرفتند و باشندگان آنرا از دم تیغ گذرانند

او در یک مسجد کهنه پناه برده خود را خوشبخت و مسرور می بد که می تواند حرف

و دو کاف را همواره بسیار قشنگ و مقبول بنویسد.



خط يا قوت مستعصمي



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پس از سقوط بغداد، مرکز هنر و مد نیت  
 ترقی خطوط دیگر اسلامی به مصر و هند منتقل شد. درین وقت  
 این دو کشور را امپراطورانی که متعلق به خاندان مملوک بودند اداره میکردند خط کوفی  
 از این بعد طریق زوال پیمو دز بر اخطوط دیگر مخصوصاً نسخ جانشین آن شد. از آغاز  
 قرن شانزدهم یعنی عهد سلطنت عثمانیبار و مغولان بزرگ هند و سلسله صفوی که مردم  
 از نو به دانش و هنر علاقمند شدند قسطنطنیه، اصفهان، هرات، سمرقند، لاهور، دهلی  
 آگره و دکن مراکز مهم دانش و هنرهای اسلامی شد. در ترکیه تعلیق و نسخ را برای  
 نوشتن قرآن و کتب عربی بکار می بردند، رقع در نوشته های رسمی استعمال می شد. ثلث برای  
 مقاصد تزیینی سلاطین بزرگ همچون سلیم، سلیمان و مراد در تعمیم و تشویق علم جهد  
 کردند و هنرمندان زیادی از شام و مصر و ایران و اسپانیا به دربار آنان روی آوردند.  
 در بن بیان نام دو تن از خوشنویسان شهیر یعنی حمد الله متوفای ۱۵۳۰ م و حافظ عثمان  
 [۱۶۹۹] در خشنده گی بیشتر دارد. عبدالجبار اصفهانی که در عهد سلطان مراد چهارم  
 در قسطنطنیه اقامت گزید به تقاضای صدر اعظم او شاهنامه فردوسی شاعر بزرگ  
 خراسان را به خط زیبا و فریبا ی خویش بنوشت. مهدی فکری شیرازی بسدر بار  
 سلطان مابیم رفت و آثار مهم چندی را رونویس کرد. ابراهیم خان بحیث سفیر ایران  
 وارد دربار سلطان مراد گردید و در ترکیه مقیم شد و چند بن کتاب مهم  
 را به خط خوش نقل کرد.

### رتال جامع علوم انسانی

خط کوفی بعد از سقوط بغداد در خراسان و فارس متروک شد و جای آنرا خط  
 نسخ و سپس نستعلیق اشغال کرد و حروف این خطوط در تحت تاثیر پهلوی شکل  
 خاصی به خود گرفت؛ این دو نوع مخصوصاً نستعلیق درین دو کشور ترقی بسیار کرد.  
 تاریخ کهن ترین سند تعلیق که شناخته شده مربوط به سال ۱۰۱۱ میلادی است؛ این  
 خط با خط نستعلیق که تابع آن به شمار است در عهد تیموریان هرات عموماً  
 یافت. انواع دیگری که رائج گشته به شرح ذیل است: «شکسته» برای نگارش نامه های  
 خصوصی که خواندن آن دشوار بود استعمال می شد «شفیعا» که میرزا شفیعای هروی  
 آنرا شناختند. ریحان و ثلث برای آرایش به کار می رفت «نسخ» برای نوشتن قرآن کریم  
 و کتابهای دیگر عربی مستعمل بود.

خوشنویسان قابل ذکر

خراسان و ایران

(۱) ابراهیم میرزا یکی از شهزادگان

هوشمند صفوی که به سن ۲۴ در سال ۹۸۴

هجری کشته شد (۲) ابراهیم حسینی پسر

میر عماد (۳) ابراهیم میرزا پسر شاهرخ

که در معماری و خوشنویسی ذوق عالی داشت (۴) امیر خلیل هرانی معاصر شاه عباس

(۵) شیخ احمد سهروردی استاد نسخ که سی و سه نسخه از قرآن کریم به خط خود

بنوشت (۶) احمد میرزا مشهورترین خوشنویس سبک نسخ که شصت هزار تومان

از طریق خطاطی کمائی کرد؛ نمونه خط او در چهل ستون موجود است (۷) شهزاده

بایسنقر میرزا پسر شاهرخ که لیکو تربیت شد و علاقه خاص با قسام هنر، مخصوصاً

خوشنویسی داشت و خود در نوشتن خط ثلث استاد مسلم بود. (۸) بدیع الزمان

میرزا آخرین فرمانفرمای تیموری (۹) بهزاد هروی بزرگترین هنرمند اسلامی

که در فن خوشنویسی متخصص بود (۱۰) بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل که در سبکی

می دانست و در خوشنویسی ممارست و تمرین نکو کرد. (۱۱) سلطان علی مشهدی

معروف به سلطان خوشنویسان معاصر سلطان حسین تیموری که آثار خامة هنر مند خویش

را در مساجد و مزارات و آرامگاه و ابنیه هرات برجای گذاشت (۱۲) سلیم، هنرمند

و خوشنویس دوره تیموری (۱۳) شاه طهمااسب دومین پادشاه صفوی استاد ثلث

و نسخ (۱۴) میر عماد الحسینی از خوشنویسان شهر و استاد ممتاز نستعلیق که کسی

در این فن به پایه وی نرسید دستخط او به بهای بسیار گران خرید و فروش می شد

(۱۵) میر علی تبریزی که در آغاز عهد مغول می زیست مشهورترین خوشنویس عصر خویش

بود. او نستعلیق را اختراع یا اصلاح کرد. (۱۶) عبدالحمید طالقانی یکی از استادان

چهارگانه خط شکسته بود. (۱۷) علی رضا عباسی رئیس خط خوشنویسان و هنرمندان

دربار شاه عباس که گویند در تاریخ خطاطی نظیر نداشت. آثار قلمی این استاد

و شاگردان او را در مساجد و ابنیه شاهی اصفهان به کثرت می بینند (۱۸)

عبدالمؤمن، موسیقی دان بزرگ و خوشنویس زبردست متوفی ۶۴۶ (۱۹)

میر علی هروی (۲۰) میرزا شفیعی هروی بنیان گذار خطی که پس از او به نام شفیعی

شهرت یافت. روش نگارش او در نوشته های مصو صی مورد استعمال بسیار گرفت.



هنر خوشنویسی در هند ، مانند همه جای

خوشنویسی در هند :

دیگر به نقاشی و رسامی ارتباط داشت و این

فن در عهد سلاطین تیموری مورد توجه تمام بود . ابو الفضل از هشت گونه خط در دوره اکبر پادشاه یاد می کند اما گوید نستعلیق رواج بیشتر داشت . در اینجا چند تن از خوشنویسان شهیر دربار مغول را باید نام برد : (۱) محمد حسین کشمیری معروف به زرین کلام استاد خط نستعلیق (۲) عبدالصمد شیرازی هنرمند و خطاط (۳) میر هاشم نقاش و خوشنویس که در عصر شاه جهان می زیست (۴) جواهر رقم کتابدار و خوشنویس اورنگ زیب که پادشاه او را بسیار دوست داشت (۵) علی احمد دهلوی . در میان خوشنویسان هند نامی از بعضی هندوان هم بنظر میرسد . اگر چه اورنگ زیب از نقاشی طرفداری ننمود و آنرا تشویق نکرد اما از خوشنویسی پشتیبانی کرد و خود و پسرش نیکوخط می نوشتند تا بدانجا که به فروش نسخه های خطی قرآن کریم که بدست خود نوشته بود مبادرت ورزید .

هنر خوشنویسی در چین عموماً میب داشت

چین و مالا یا

اما خطوط زیبایی که مسلمانان این کشور به

زبان متداول جهان اسلام آنروز یعنی عربی نوشته باشند بسیار است ؛ يك كتيبه به خط نسخ در مسجد کهن کانتان وجود دارد که در سال ۱۳۵۰ نبشته شده ؛ خط رائج مجمع الجزایر مالا یا نسخ بود و به رسم الخط معمول اعراب جنوبی شباهت دارد . اگر چه در همه کشورهای اسلامی الفبای

افریقای شمالی

و احدی مورد استعمال بود با وجود این خط

هر خطه ای صفات اختصاصی خود را نگهداشت . خطی که در افریقای شمالی و اسپانیه مستعمل بود بنام قیروان خوانده می شد . درین موضع نخست مدرسه کوچکی بنا نهادند و سپس یکی از مراکز مهم دانش و فرهنگ در غرب به شمار رفت . خطی که در سکه های اغلا پیدا که در قیروان حکومت داشتند دیده می شود ، از آنکه در شرق رواج بود فرق دارد خط قیروانی درشت و دشوار و ناسلیس ؛ گوشه دار است . خطی که در کار دووا مستعمل بود نیز سبک قیروان از لحاظ همواری حروف اختلاف داشت . در سال (۱۲۱۳) تیمور از مراکز علمی و علمی آفریقا شد ؛ مکتبی در آن بنیان گذار داد که مدت درازی مورد توجه و علاقه بود . چهار سبک نگارش بنام های ذیل در افریقا ترقی کرد - و بیش فت ؛ (۱) تونسسی ، شبیه خط شرقی ؛ (۲) جزیره ای که گوشه دار و بانقطه بود ؛ (۳) فاسی که حروف آن گرد بود و (۴) سودانی که درشت و بد ترکیب بود .

## سفال سازی و شیشه گری



در مصر و شام، فارس از عهد قدیم نخستهای رنگه با طرحهای چالب بکار میرفت. بهترین نمونه آن که تقریباً دو هزار و پنجاه سال قبل ساخته شده از کاخ داریوش در شوش پیدا شد و اکنون در موزه پاریس است. پارچه هائی از این همین نوع، در مصر و شام و بین النهرین کشف شد. این هنر در دوره ما سابقان بسیار ترقی کرد و اگر چه در چند سال اول فتوحات اول اسلام مدت کوتاهی رونق بازار آن در کشورهای اسلامی شکسته شد اما به مجردی که آرامش برقرار گردید صنعتگران و ارباب فن محلی در اثر تشویق فاتحین کارها را از سر گرفتند و هنر خویش را دوباره جهاندادند. هنر کوزه گری اسلامی از اسپانیا در غرب تا آسیای مرکزی و هند در شرق پهنای گرفت. برای توضیح مطلب، صنعت سفال سازی را در کشورهای ذیل مورد توجه قرار میدهم:

ظرفهای سفالی معروف به «مغربی»  
از ظروف کشورهای دیگر اسلامی از لحاظ

## اسپانیا

طرحی که در آنها بکار میرفت و عبارت از برگ *نک*، علامات قهرمانانه و پنجه کلاغ بود، فرق داشت. نمونه های کهن این کشور، متعلق به قرن چهارم و پنجم در دست است. در میان نویسندگان اولیه اسلامی که درین موضوع چیزی نوشته اند از چارتن پایدنام برد: (۱) ادیسی جغرافیه نگار؛ (۲) ابن سعید (۱۲۴۴ - ۱۲۸۶) (۳) ابن الخطیب، (۱۳۱۳ - ۱۳۷۴) و (۴) ابن بطوطه (۱۳۵۰).

(۱) لاکا واقع در شمال شرق جبل الطارق، بندر معروف اسلامی در غرناطه بود

## مرکز صنعت سفال سازی:

که در عهد دودمان ناصری به اوج شهرت خود رسید. احمد بن یحیی در سال ۱۳۳۷ دربارۀ سفال همیشه اندود و مطالی آنجا سخن گفته است. نخستها و تزییناتی که در کاسخ مشهور غرناطه به کار رفته از ساخته های همین بندر است.

ملاکاپس از سال ۱۴۸۷ که در تصرف فرد ینالد در آمد، صنعت خود را از دست داد (۲) سفال طلاکاری شده المر یا مورسیا نیز شهرت دارد (۳) در میان نمونه های موجود و گلدان از الحمر است که از قشنگ ترین ظروف گلی ساخته غرب به شمار میرود و همچنان يك بشقاب، که خطوط عربی در آن بکار رفته (۴) آوازه صنعت کوزه گری ایالت اسلامی و النسیا که آجر آن هنوز شهرت خود را نگهداشته است نیز سرسرامرار و پارا فرا گرفته بود. و النسیا یکی از بنادر بحری اسپانیا در مدیترانه بود که بواسطه دارالعلم حریفش شهرت جهانی یافت. این بندر را مسلمانان در سال ۷۱۵ هجری اشغال کردند. (۵) صنعتی که در مانی سیس رواج داشت فرعی از هنر ملاکا بود. ظروف و اخوری، بشقابها با اندازه های مختلف، گلدانها و ظروف دیگر گلی با تزئینات بیزانطین، یا نبشته های مربع کوفی ساخته می شد. درین ظرفها کلمه عافیه که رمزی از نام مقدمن الله است خوانده می شود. در نسخ عربی فنرش شاخ و برگ و اسلحه خافه و جزاینها عموماً می بود. رنگهای که بکار برده می شد رویهمرفته همه کی بود، یا قوتی، پنفش، سبز نماییازرد بود. مسیحیان با وجود آنکه دین اسلامیان را نمی پسندیدند هنرانان را می ستودند. يك کار دینال مسیحی این مطلب را چنین اظهار داشت: «ایشان فاقد عمقیدت ما هستند اما ما فاقد هنر آنانیم»

### رسال جامع علوم انسانی

ظروف شیشه ئی این دو کشور بسیار شهرت داشت هم اکنون  
 مصر و شام  
 نمونه های سفال شیشه اندودی که از افریقای شمالی پیدا شد  
 و تا ریخ آن به قرن دهم مسیحی بر می گردد، در دست است. «رکنا» یکی  
 از شهرهای شام که درین او اخر کنجکاوی شد مرکز بزرگ صنعت کوزه گری بود.  
 دمشق یکی دیگر از مراکز این صنعت بشمار میرفت. ظروف دمشقی بهمین نام در اروپا  
 مشهور بود، انواع مختلف آنرا در شرق می ساختند و در غرب به قیمت بلند  
 می فروختند. این ظرفها از نفوذ مختلط کشورهای شرقی بخوبی نمایندگی می کند.  
 زمین ظروف عموماً سفید است، رنگهای بسیار روشن در آنها بکار رفته  
 با گلکاری و طرحهای مصطاح و رائج تزئین میشده. گلدانها و آبخوریها و دیگر

ظروف ساخت شام باله‌اب شیشه و طلا آرایش شده. نمونه ظروف دمشق در موزه بریتانیا و کاسخ اووردر بار پس موجود است: در آبخور بهای شامی تصویر مریم، مسیح، سنت پتر و سنت پال دیده می‌شود. واثر هنر چینی نیز در ساخته‌های مصر و شام مشهود است در ظرفهایی که در آغاز، میناکاری شده تصویر انسان بنظر می‌رسد اما در آثار دیگر، نقوش هندسی و گل و برگ غلبه دارد. در میان نمونه‌های موجود ظروف سفالی مصری دو پارچه بسیار جالب وجود دارد: نخست گلدان بزرگ و بانقش و نگاری که به قرن یازدهم تعلق دارد و اکنون در فسطاط است. و دیگر بوتل میناکاری شده‌ای که بر طبق آئین دودمان مملوک در مصر، نام یکی از رجال در آن نبشته شده ظروف مصری از لحاظ کثرت استعمال فیروزه و اهابهای کبود و زرد مشهور بود آنان میدانستند از مخلوط اسید سرب و لعاب شیشه می‌توان در ظرفهایی که از گل ساخته می‌شود، کارگرفته.

هنر سفال سازی ترکی در عهد شاهان سلجوقی  
در قرن شانزدهم و هفدهم، باوج ترقی و اعتلای

### ترکیه

خرد رسید و آن هنگامی بود که آسیای مرکزی، جنوبی و غربی رفار صالح خویش را در تحت قیادت سلاطین هند و ترک و ایران باز یافتند. این پارچه‌های هنری که کار مردمان محلی بود متن سفید داشت و با پختگی و متانت نقاشی می‌شد. رنگهای روشن آبی، فیروزه‌ای، سبز و سرخ در آنها بکار میرفت و در حواشی رنگهای سیاه با قلعی بسیار درشت، استعمال می‌شد. در بعضی حالات بجای سفید سرخ روشن یا رنگ دیگر به متن می‌دادند. یکی از طرحهای ترکی، تصویب کشتی بود اما گاهی شکلی انسان را نیز نقش میکردند. و برای تزیین دیوارها حشتهای آرایشی شده و همیشه اندود مستعمل بود نمونه‌های ظروف ترکی همچون کوزه، آفتابه، گلدان و چراغ مسجد و نظائر آنها در اروپا بسیار است. صنعت کوزه‌گری در ترکیه از قرن هجدهم و بزوال گذاشت. بوتلهای ترکی با تصاویر پرندگان و جانوران در زمینه‌های سفید

یا سبز آرایش می شد: در دمشق، تخته هار ابا نقش گل لاله، گلاب و انواع مختلف دیگر زیباییهای طبیعت بطرز بدیعی می آراستند؛ قسطنطنیه، بروسه و چندین شهر دیگر ترکیه مراکز مهم کوزه گری و تجارت ظروف سفالین بود. اثر این صنعت ترکی، که خود از هنر متداول در ایران متأثر مینماید، در ساخته های ارو پائی نیز مشهود است:

پس از سقوط امپراتوریهای بابل و آشور، فارس	خراسان و ایران
حبشت خانه خشتهای براق را پی-داک-رد	
و ظروف سفالی آن که در آغاز زیر اثر هنر چینی	آسیای مرکزی

بود، شرق و غرب را تحت تاثیر قرار داد؛ قدیمترین نمونه آن به سالهای ۵۶۰ تا ۴۸۰ پیش از مسیح تعلق می گیرد. اما مرکز کوزه گری را در روزگار پیشین در جنوب فارس و ماوراءالنهر قرار میدهند. صنعت آسیای مرکزی و خراسان و ایران یعنی مرکز مهم و بزرگ هنر و دانش اسلامی از صنعت چین بنا بر بعضی جهات بهتر و برتر بود. کوزه گران، تربیت و تعلیمی منظم در بیرون از خانه و میهن خویش ندیده بودند بلکه آنچه را درست میکردند متشکی بر آئین و دستور موروثی خود ادگی و هوش و استعداد سرشار فطری آن را بود. طرحهای این هنر مانند آن از لحاظ زیبایی، ظرافت، هم آهنگی رنگها و تناسب بسیار شهرت داشت. هنر سفال سازی پس از اسلام را درین دو کشور به سه دوره مهم می توان تقسیم کرد (۱) عهد خلفای اودوره؛ فرما نروائی نازیان؛ (۲) دوره ساسانیان و سلاجقه؛ (۳) دوره صفویها و بابریها. نمونه های دوره اول که نفرذ سامانیان را نشان میدهد بسیار اندک است و درین مدت تغییری در صنعت مورد گفتگو وارد نیامد. اما فر نفرمایان ساسانی ماوراءالنهر و حراسان از دانش و هنر نیکر حمایت کردند. در نمونه های کمیابی که از نقاشی و کارهای هنری دیگر این عهد بماندیم و نفرذ چینی نمایان است در حالیکه درست روشن نیست که مرآوده و آمیزش اینان با چینیان به چه پیمانان بود. سلاطین سلجوقی که از پی غربان و سامانیان آمدند و امپراتوری بزرگی را اساس نهادند مردم هنر دوست بودند و راز رواج هنر پشتیبانی کردند. در پهلوی ظروف گلی براق و شیشه اندر د و منقوش، ظرفهای غیر براق گلی نیز ساخته می شد، یک بشقاب

که به قرن دوازدهم تعلق دارد باشد شکل انسانی که در حال رقص است آرایش شده - اشکالی که بکاررفته به قیافه های چینی شباهت دارد، پارچه هایی که از آسیای مرکزی مربوط باین تاریخ بدست آمده فاقد تصویر انسان یا حیوان است. از عهد سلجوقیان، قرن یازدهم و دوازدهم، ظرفهای گلی قشنگ با متن سفید قلمکاری کشف شد. کنده کاری تزئینی برنگهای مختلف از غوانی یازرشکی، سبز، آبی و زرد عنبری یا کهربائی با مهارت قابل تمجیدی اجرا شده. نمونه کهن متعلق به سال ۱۲۱۷ که از ری - شهری که تا حمله مغول، مرکز سفال سازی در ایران بود - بدست آمد، خشت ستاره نشان شده ای است که با تصویر متعدد خرگوش صحرائی به شکل نقطه نقطه تزئین گردیده. از اورامین نیز خشتهای متعلق به سال ۱۲۶۲ و گلدان سحرآبی بود و سپس پرچم امپراتوری روم مقدس شد. تصویر انسان، حیوان، صحنه های شکار و غیر اینها از مشخصات و خصوصیات آرایش سبک خراسان و ایران است و در بعضی حالات، گل و برگ نیز بکار میرفت. فرمانروائی مغول که با کشتهایان عمریمی و ویرانی شهرها آغاز شد، راه مردم آسیای مرکزی و ایران و خراسان را بسوی امپراتوری چین باز کرد. و در اثر معاضدات متقابل این کشورها اثر هنر چینی همچون اژدها و نیلوفر آبی و قیافه های چینی در بعضی آثار مکشوفه دیده میشود. *شکوه علم انسانی و مطالعات فرهنگی*

در قرن شانزدهم که عهد طلایی هنرشان پندارند، رنگها و طرحهای تزئینی که در ظرفهای گلی بکاررفته بسیار جالب و مناسب است، همچون: قیافه های انسان حیوان، تصویر، درخت سرو و غیر آن، حواشی مقتضی و خطوط عربی اثر چینی در کارهای هنری این دوره نیز پیدا است اما قیافه هایی که رسم شده بیشتر محلی است و کمتر مغولی. بهترین کار در صنایع کوزه گری متعلق به دوره سلجوقیان و تیموریان یعنی قرن یازدهم تا چاردهم است ولی قرن پانزدهم تا هفدهم را عهد تکامل این هنر باید خوانند. شباهتی که در میان ساخته های شام، مصر، ایران و خراسان وجود دارد مانع آن است که بتوان از روی طرح و کار، محل ساخت یک پارچه هنری را به آسانی تعیین کرد. ولی میتوان گفت که ساخته های خراسان و فارس در کثرت رنگ، قیافه های انسانی، مناظر شکار و هم آهنگی از دیگران ممتاز است.

بقایای ظرفهای گالی که از ری به مصر کشف شد در رنگهای خفیف سبز و لعاب فیروزه و سرب زمینی که در آنها استعمال شده مشابه هستند. سفالهای ساخته این دو کشور از مخلوط شیشه و یک نوع گل مخصوص درست شده آنرا بالعباب سرب می‌پوشاند و به شکل کاسه، جام، قاب، گلدان و غیر اینها در میابور دندر بارنگک زیبای سبز و اشکال هندسی یا نقوش عربی و در بعضی حالات با نقوشهای براق و درخشان می‌آراستند. این آرایش بوسیله رنگی صورت می‌گرفت که از حرارت خفیف و مجدد پارچه‌های لعاب کاری شده، بدست می‌آمد در میان نمونه‌های اولیه سفالهای جلادار، خشتهایی که برای تزین مساجد و دیوار بناهای عمومی بکار میرفت بدست آمده بر علاقه تصاویر انسان و حیواناتی مانند خوک، گوش صحرائی و آهو، اشکال زنان سوار و پیاده، گل و برگهای مصطاح و نقوش عربی نیز کشف شد. نقشهائی که بر یک متن براق انجام یافته غالباً بوسیله خطوط منحنی و طوهار و نقطه‌های متعدد میباشد. در اوستا ضمن چند هنر از کوزه‌گری هم یاد شده، شمار خیمه‌های فیلسوف شاعر که آنهمه از کوزه و کوزه‌گر سخن می‌زنند نشان میدهد که این صنعت در عهد او تا چه حد رواج داشت. پیکر نگارهای رواق شوش، د خشننگی و صفا بهی خشتهای رنگارنگ، ظرف صیقل شده و براق، تابوتی که از وارکا کشف شده، مجسمه‌های مکشوفه از طاقستان، پارچه‌های مختلف که از آنشکند؛ نیز دیک اصفهان بدست آمد و همچنان آثاری که از بلخ و بامیان و قندهار و ننگرهار کشف شد شاهد اند که صنعت کوزه‌گری در ایران و افغانستان - خراسان دوره اسلامی و آریانای قدیم - تاریخ بسیار کهن دارد. از شیشه‌گری هم در اوستا ذکر شده؛ اگرچه این هنر که نمونه‌های آن از دوره‌های قدیم کشف شده در فارس چندان پیش نرفت. مگر با وجود این آثاری از روزگار خسرو پرویز در دست است که در قسمت خود ارزش دارد. رنگک این شیشه‌ها سبز مایل به آبی، زرد مایل به قهوه‌ای، ارغوانی و سفید است. بوتلهائی که پیدا شده شکلهای مختلف دارد. گردن آنها غالباً منحنی است و تنه آن گرد و مربع.

هند

کنجکا و بهایی که در دور: کنشکا صورت گرفته ارتباط  
 قدیمی و همیشگی هند و خراسان را روشن میکند و لسی در  
 قرن یازده و دوازده این روابط بیشتر شد. زیرا غزنه پایتخت خراسان عهد  
 سامانی، غزنوی و سلجوقی برهند فرمان می‌راند و سلاطین دانشمند و دانش دوست  
 غزنه مشوق و پشتیبان هنر بودند. نفوذ خراسان در شرق تا سمرقند و در غرب تا  
 بغداد رسید؛ در دور: سلاطین غزنوی استعمال خشتهای براق و لعاب اندود در  
 غزنی رواج داشت. در هند، نخست، فقط حکمداران مسلمان و اشراف و نجبای  
 پنجاب از این خشتهای کار می‌گرفتند اما در عهد شاهنشاهان تیموری در عمارات آسامان  
 به کثرت بکار رفت. ولی خشتهایی که در هند ساخته میشد از لحاظ زیبایی و رنگ  
 به پایه ساخته های خراسان نمی‌رسید. در میان آثار قدیمی که از این خشتهای در دست  
 است، یک نوع آن به شکل کلید و دارای رنگ سفید یا آبی تیره میباشد و نمونه های  
 آنرا در آرامگاه بهاء الحق در ملتان (۱۲۶۴ - ۱۲۸۶) و همچنان در هزار نوامه  
 اورکن الدین توان دید. در آرامگاههای شیرشاه و همایون کاشیهای زیبایی به شکل  
 موزائیک وجود دارد. در عهد اکبر پادشاه و سه جانشین وی نیز استعمال این  
 خشتهای رائج بود. تصویبهای خشتی که در دیوارهای قلعه ای در لاهور کار گزارده  
 شده توان گفت از تمام خشتکاریهای که در جهان سراغ داریم برجستگی دارد. طول  
 آن ۴۹۷ یارد و بلندی اش ۱۷ یارد است و صحنه های مختلف سپردت هم چون  
 چوگان بازی، جنگ فیله و مانند اینها در آن نشان داده شده. خشتهای کاشی ناپایان  
 قرن هجده که صنایع عصری اروپا جهان را فرا گرفت در سر اسر هند رائج بود و آثار  
 آن باقیست. ملتان و چند شهر دیگر هندوستان در ساختن خشتهای لعابکاری شده  
 شهرت داشت. ظروف گلی شیشه اندود و خشتهای که در پنجاب ساخته اند و متعلق  
 به قرن هفده است و اشکال انسان و صحنه های شکار که در آنها بکار رفته نفرذ هنر  
 خراسانی را ارائه میدار داما نصاب ویرفیل، گاونر و گل و برگهای هندی اینکار خاص  
 هند است.

ع . ر . غ